



اول جنوری 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

احترام به اهل هندو افغان در عصر امانی و معلومات مختصر در باره "دیوان نرنجداس"

[قبل از همه حلول سال 2017 عیسوی را به همه هموطنان عزیز و به عموم مردمان جهان و بخصوص به گردانندگان، قلمداران و خوانندگان گرامی این پورتال وزین تبریک و تهنیت گفته، سال خوش و آرام برای همه مردم خود در وطن و بیرون از وطن و آرامی سرتا سری در کشور و جهان خواهانم]

همین امروز مقاله پرمحتوای محترم جناب سید هاشم سدید را تحت عنوان "نظر مختصر به دوره امانی و مقایسه آن با دولت و فضای موجود" در این پورتال خواندم و از آن فیض بردم. نویسنده محترم آقای سدید در این مقاله از موقف هموطنان عزیز ما "اهل هندو افغان" و رعایت حقوق شان به حیث یک اقلیت مذهبی یاد کرده و وضع امروز آنها را با تقریباً یک قرن گذشته در دوره پربار امانی مقایسه کرده که نشانه ای از خصلت مردمی و فارغ از تعصب آن دوره بوده است.

با تائید فرمایشات جناب سدیدمبنی بر احترام حقوق اقلیت های دینی و مذهبی در دوره امانی بيمورد نخواهد بود که با استفاده از متن کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" که چند ماه قبل باز نشر آن بطور مسلسل در 28 قسمت در این پورتال وزین صورت گرفت، به این نکته اشاره کنم که وقتی بحث روی "نظامنامه اساسی" در لویه جرگه مذکور آغاز گردید، ضمن بررسی مواد مختلف آن، یکی هم به ارتباط موضوع اهل هندو افغان بود که مولوی عبدالواسع یک از اعضای مهم لویه جرگه یک هزار نفری در زمینه چنین گفت:

«مولوی عبدالواسع: بر ماده (2) اعتراض نمود که این نظامنامه در غیاب من ترتیب شده و بعضی مسائل ضعیفه شرعیه در آن داخل است اکنون باید اصلاح شود. درین ماده بعد از لفظ آداب عمومی علامات فارقه شرعی نیز ایزاد گردد تا در بین اهل هندو و مسلمانان مانند سابق فرق و امتیازی که از آن ظاهراً شناخته شوند، باشد.»

بعد از او یک وکیل دیگر چنین اضافه کرد: «فیض محمد وکیل: مراعات و نوازشاتیکه اعلیحضرت غازی بهندو های مملکت افغانی عطا و مرحمت فرموده اند بهمه شما معلوم است که نه تنها در مملکت همسایه ما هندوستان بلکه در جمیع اهل هندو جهان قدر و قیمت و عزت و شرف افغانستان را دو چندان نموده است. اکنون اگر ما آن مراعات را که وجود آن در امورات مذهبی و اصول مقدس دینی ما هیچیک نوع خرابی و ضرری را که عائد نمیکند، از سر آنها برداریم، معلوم است که اهل هندو افغانستان در این باب هیچ داد و فریادی را نخواهد برداشت، لکن اثرات این مفکوره ما در هندوستان و بنظر دیگر اهل هندو جهان بسیار خراب آمده بجای منافع در سیاست برای ما مضراتی را تولید خواهند کرد.»

در اینجا اعلیحضرت شاه امان الله غازی فرمود:

«اعلیحضرت: نیز بتائید فیض محمد خان پرداخته یک بیانیه مطولی را در اتحاد هندو و مسلم هندوستان و فوائد آن و ذکر همدردی اهل هندو را بامسلمانان در موقع جنگ جهانی عمومی و

در مسائل ترکیه و تحریک خلافت و در حصول استقلال هند و افغانستان ایراد کنان فرمودند: اگر ما تکلیفی را که از آنها مرفوع و مراعاتی را که بدانها داده ایم، دو باره مانند سابق اجراء نمائیم، معلوم است که در آن چیزی فایده نمیشود برعکس آن خدا نا خواسته افغانستان موجب نفاق و شقاق اتحاد و همدردی موجوده هندو و مسلم هندوستان خواهد شد و دشمنان در این موقع دست یافته باندازه این دو کتله عظیم الشان نوع بشری را از هم دور و با همدیگر خواهند انداخت که یکی بخوردن خون دیگر آماده خواهند شد. نی! لازم نیست که ما و شما بر طبق مقررات دینی خود با آنها معامله نمائیم و مراعاتی را که به آنها داده ایم باید از آنها بر نداریم و ما آنها را جهت امتیاز هندو و مسلمان امر تاکید قشقه زدن را بنمائیم و محض جهت مراعات جذبات شما علمای اسلام اعلام آنرا از بستن دستار سفید نیز مانع خواهیم شد. تصور نکنید که از این مراعات هندوهای افغانستان از ملت و یا حکومت سرکشی خواهند نمود و یا قوتی را اکتساب خواهد کرد و روزی آنرا برخلاف مسلمانان استعمال خواهند نمود، زیرا هندو افغانستان مانند دیگر سکنه افغانستان کاملاً حب وطن و تحفظ نام و ناموس و شرافت افغانی را حمایه و حفاظت میکنند. چنانچه در موقع جهاد همین هندوها به همراه غزاه و عساکر ما بمقابله انگلیس رفته بودند و در همه گونه خدمات و بر داشت تکالیف یک گام پیشتر از تبعه افغانستان همیگذارند.» (رویداد لویه جرگه...، صفحه 125 تا 129 و همچنان در باز نشر آن به اهتمام اینجانب و دو همکار دیگر (آقای محمد ایاز نوری و نازک میر زهیر)، مورخ 10 اگست 2016 دیده شود: قسمت دهم، صفحه 3)

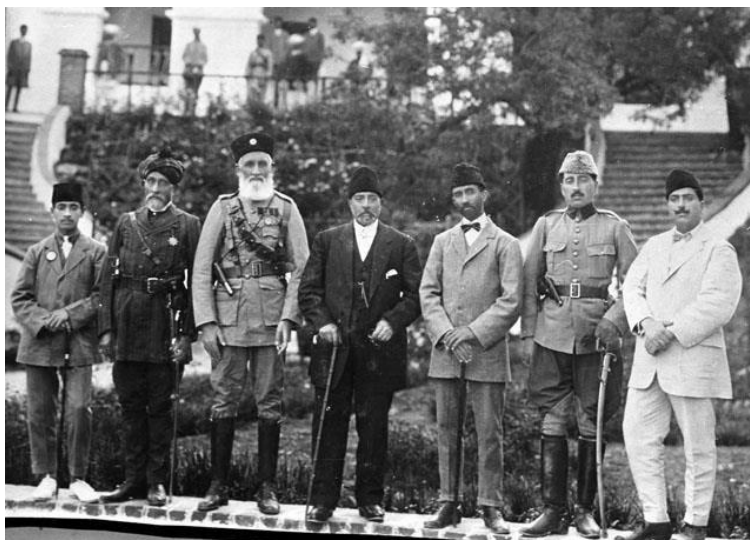
هرگاه در لست اعضای لویه جرگه مذکور نظر انداخته شود، تعداد شش نفر از اهل هند و سیکه های افغان نیز افتخار عضویت آن مجلس بزرگ تاریخی را داشتند، هریک:

- دیوان حکم چند - سرکاتب در وزارت مالیه (درج شماره 141)،
- دیوان شنکر داس - سرکاتب شعبه زراعت در وزارت تجارت (درج شماره 212)،
- دیوان جلیاء از قندهار (درج شماره 764)،
- دیوان مهرچند از قندهار (درج شماره 765)،
- عطر سنگه چودری از جلال آباد (درج شماره 965) و
- ایا سنگه از لغمان (درج شماره 966)

در همین ارتباط محترم جناب سدید از دیوان نرنجداس یاد کرده و نوشته که: «شاه امان الله مرحوم در عمل نشان داد که به آن چه می گوید، باور دارد و بدان پایند است. انتصاب دیوان نرنجداس به صفت وزیر مالیه دولت امانی، نشان از اعتقاد شریفانه و راسخ این مرد شریف و انسان واقعاً ملی به برابری میان آحاد ملت داشت.»

در رابطه با این موضوع باید عرض کنم که دیوان نرنجداس هیچگاه و در هیچ دوره به حیث "وزیر مالیه" ایفای وظیفه نکرده، بلکه وظیفه او به حیث "دیوان" در حقیقت "حسابدارکل" بوده است. در آغاز عصر امانی تشکیلات حکومت نخست بنام "نظارت" یاد می شد که در راس آن یک شخص به نام "ناظر" قرار داشت مثلاً "نظارت مالیات" که تحت نظر "ناظر مالیات" اداره می شد. بعداً در سال

1301ش پس از تصویب "نظامنامه اساسی" و "نظامنامه تشکیلات اداری" هر واحد اداری در حکومت بنام "وزارت" مسما شد و در راس آن "وزیر" قرار گرفت که به این اساس مرحوم میرزا محمود خان پوپلزائی نخست به حیث "ناظر مالیات" و بعداً برای مدت کوتاه به حیث "وزیر مالیات" مقرر شد و در اوایل سال 1303ش مرحوم میر محمد هاشم خان [پدرکلان اینجانب] به حیث وزیر مالیه متصدی امور مالیاتی کشور گردید که تا سقوط سلطنت امانی به این مقام باقی ماند.



هیئت افغانی در مذاکرات مسیوری (17 اپریل تا 18 جون 1920):
از چپ به راست - عبدالوهاب خان طرزی، دیوان نرنجداس، غلام محمد خان وردکی، علامه محمود طرزی (رئیس هیئت)،
عبدالهادی خان داوی، پیرمحمد خان فرقه مشر، غلام صدیق خان چرخي



دیوان نرنجداس با هیئت مشترک افغان انگلیس در مذاکرات مسیوری - (نفر اول قطار نشسته - از چپ به راست)
درباره زنده یاد دیوان نرنجداس باید عرض شود که موصوف اصلاً از پنجاب بوده، در حدود سال 1853 م متولد گردیده و به حیث "حسابدار کل" در کابل ایفای وظیفه کرده است. باید علاوه کرد که

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

پدر کلان دیوان موصوف از پنجاب به افغانستان مهاجرت کرده با کسب تابعیت افغان پدر کلان و پدرش در خدمت دولت قرار داشته و خود دیوان در دوره امیر حبیب الله خان سراج الملة از اعتماد امیر برخوردار بود. هیچ تادیه دولت صورت گرفته نمیتوانست تا که در آن امضاء و مهر دیوان نرنجداس نمی بود. برادر زاده دیوان بنام "رام کشن" در حوالی سال 1899 به دین اسلام مشرف شد. دیوان نرنجداس به مقام کرنیلی ملکی در 1906 ارتقا یافت و در دفتر مالیات به حیث مدیر عواید مقرر شد و در 1912م در وقت میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک به آمریت این دفتر و جمع آوری مالیات در تمام کشور ارتقا کرد. دیوان نرنجداس در سال 1919 به حیث عضو هیئت افغانی در مذاکرات با انگلیس ها منعقد راولپندی اشتراک داشت و متعاقباً برای مدت بسیار کوتاه به مقام "مستوفی الممالک" تکیه زد. در 1920 به رتبه برگد ملکی ارتقا نمود و در همان سال بار دیگر به حیث عضو هیئت افغانی در مذاکرات مسیوری با انگلیس ها اشتراک نمود (آدامک ، لودویک: "کی، کی است"، صفحه 207)

(پایان)

(با اعتذار از اینکه نسبت مصروفیت های غیرمترقب در این روزها نشر قسمت های بعدی مقاله "اسرار نهفته شهادت امیر حبیب الله خان سراج الملة.." چند روزی به تعویق افتاد که انشاءالله به زودی دنباله آن خدمت تقدیم میگردد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ